

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)^۱؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

مبانی و اهداف حکومت جهانی امام زمان علیه السلام می‌باید چشم انداز و چراغ راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. دیپلمات‌ها و کسانی که در عرصه بین‌المللی فعالیت می‌کنند، می‌باید با توجه به آیه مذکور از حیث فردی و اجتماعی، عملاً ایمان به خدا^۲ داشته و عمل صالح^۳ انجام دهند و در برابر دشمنان و حاکمان جور استقامت و مقاومت نشان دهند. گرچه در عرصه‌های گوناگون بین‌المللی متحمل سرزنش و ناامنی و ترس خواهند شد؛ با توجه به وعده الهی اجرشان محفوظ و در نهایت بر مستکبران غلبه خواهند کرد.

لذا ایدئولوژی که آموزه مهدویت به حاکمان و کارگزاران بین‌المللی می‌آموزد، زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی بر اساس چشم‌انداز آرمانی خود، یعنی نزدیک‌سازی اهداف و اقدامات بر مبنای حکومت امام زمان علیه السلام می‌باشد.

(ب) آیه استضعاف و سیاست خارجی

حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران در کل جهان مهم‌ترین بینش و منشی است که در آموزه مهدویت بدان اشاره شده است. این آیه علاوه بر آن‌که گزاره‌ای از آیات مستقیم و مرتبط با امام زمان علیه السلام می‌باشد و بشارت به مستضعفان نسبت به خروج آنها از استضعاف و سروری آنان و وراثت آنان است؛ مبین و پرچم سیاست خارجی کشوری است که انقلاب آن براساس مبارزه با استعمار و استثمار و مدافع استضعاف و مستضعفان شکل گرفته است.

۱. نور: ۵۵.

۲. مخالفت ایمان به خدا، بدین معناست که در زبان ایمان و اقرار می‌کنند و در عمل به کفر و ظلم تمسک و دل می‌بندند.

۳. اقدامات دیپلماتیک براساس رضایت خداوند و امام زمان داشته باشند.

به همین دلیل است که در بند شانزدهم اصل سوم و همچنین اصل ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی، پس از آن که معیار اسلام را "تعهد برادرانه" نسبت به همه مسلمانان می‌داند، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان را وظیفه ذاتی نظام اسلامی و دولت جمهوری اسلامی، به‌ویژه در عرصه بین‌المللی و سیاست خارجی عنوان می‌کند. آیه "استضعاف" چراغ راهنما و پرچم برنامه‌ریزی شده عملکرد سیاست خارجی و دفاع از مستضعفان است. در این آیه آمده است: (و نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)^۱؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم...

در ادامه به آیاتی دیگر که به چگونگی حمایت از مستضعفان توسط سیاست‌گذاران داخلی و بین‌المللی اشاره دارد؛ پرداخته خواهد شد:

در سوره نساء آیه ۷۵ آمده است: (وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)^۲؛ چرا در راه خدا، و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه]، که اهلش ستم‌گرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما!

حمایت حقیقی از مستضعفان، دفاع عملی از حقوق مسلمانان و حمایت از آن‌ها در برابر ظالمان و استعمارگران در عرصه بین‌الملل است. مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان در شهرهای خاص که به دست مستکبران مورد ظلم قرار گرفته‌اند؛ مسلمانانی که توسط حکام، کشور و یا قوانین مستبد مورد ستم قرار گرفته‌اند. سیاست خارجی جامعه منتظر و امام زمانی می‌باید در جهت حمایت و نجات آنان برآمده و در این زمینه تلاش کند.

قانون اساسی، تنظیم سیاست خارجی کشور را بر اساس معیارهای اسلام همراه با تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان می‌داند^۳؛ مسئله‌ای که برادری و همبستگی عمیق با توجه به تنوعات قومی و قبیله‌ای و نژادی را اصل اساسی اسلامی و در ادبیات مهدوی "انتظار پویا" می‌داند؛ چنان که در آیات وحی بدان اشاره شده است.

۱. قصص: ۵.

۲. نساء: ۷۵.

۳. کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳، بند ۱۶.

سیاستگذاران و دستگاه دیپلماسی در جهت حمایت از مستضعفان نباید ترسی به خود راه دهند؛ چرا که خداوند می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ)؛ خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند، دفاع می‌کند. خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. دایره مستضعفان جهان نه فقط مسلمانان را دربر می‌گیرد، بلکه تمامی انسان‌ها را شامل می‌شود؛ تا جایی که پناه دادن به پناهندگان غیر تبهکار را وظیفه ذاتی سیاستگذاران حاکمیت اسلامی است. پناه دادن به ستم‌دیدگان مقدمه‌ای در جهت هدایت مستضعفان به معنای عام خواهد بود، تا زمینه برای حکومت مستضعفان خاص صورت بندد؛ مسئله‌ای که در سیاست خارجی کشورها باید دنبال شده و تعاملات و مقدمات این پناه را فراهم آورند؛ همچنان که قرآن می‌فرماید:

(وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ)^۱؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود [و در آن بیندیشد]! سپس او را به محل امنش برسان؛ چرا که آن‌ها گروهی ناآگاهند.

حمایت از مستضعفان عالم و دفاع از حقوق آن‌ها در عرصه بین‌المللی، از حیث شناسایی و دفاع بر عهده سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که می‌باید هرگونه سلطه جویی و سلطه‌طلبی نفی کنند. نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، یکی از موارد بند ششم اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی است و همچنین در اصل سوم بند ششم قانون جمهوری اسلامی ایران آمده است که دولت جمهوری اسلامی باید هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی را محو کند و این سیاست را به عنوان سیاستی عام در عرصه داخلی و بین‌المللی در اصول دیگر تشریح کرده است؛ نگرشی که شکل کامل آن در عصر ظهور تحقق پیدا خواهد کرد؛ چنان که خداوند در آیات مختلفی به نفی سلطه‌جویی و استکبار اشاره می‌کند و آنچه را از آن سلطه‌طلبان به عنوان برتری استفاده می‌کنند، رد و ملاک و معیار برتری را تقوا معرفی کرده است: (بِأَنَّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)^۲.

^۱ حج: ۳۸.

^۲ توبه: ۶.

^۳ حجرات: ۱۳ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ [این‌ها ملاک امتیاز نیست، بلکه] گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.»

از نظر علامه طباطبایی حق مطلب در جمله (جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ) ظاهر در مذمت تفاخر، به ویژه در انساب دارد؛ لذا در این جهات مردم با یکدیگر برابرند و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست و شعبات و قبایل مختلف به خاطر شناخت یکدیگر بوده است تا اجتماعاتشان نظام‌مند و ائتلافشان تمام شود؛ چراکه اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف. بنابراین، غرض از اختلافی که در بشر قرار داده شده، این است، نه این که تفاخر کنند.^۱ دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی براساس این آیه می‌بایست مُبَلِّغِ برابری حقوق انسان‌ها در عرصه‌های بین‌المللی باشد و در جهت تحقق آن تلاش کند.

جمله (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) نشان‌دهنده این است که نگاه بیش‌تر مردم به سروری و بلندی زندگی مادی و این دنیایی است و حال آن که مزایای زندگی دنیا موهوم و خالی از حقیقت است. در واقع این‌گونه امتیازات نه تنها ذره‌ای شرافت و کرامت به آن‌ها نمی‌دهد، بلکه آن‌ها را به سمت شقاوت سوق می‌دهد. لذا پس از بیان این جمله، حقیقت سروری و مقام را تقوا و پرهیزکاری عنوان کرده که سعادت دائمی در آخرت را در بر خواهد داشت؛^۲ همچنان که خداوند در سوره انفال آیه ۶۷ چنین تقسیم‌بندی‌یی را بیان می‌دارد: (تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)؛ شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را [برای شما] می‌خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است.

در نفی سلطه‌جویی، آیاتی با محتوای این که خداوند سلطه‌جویی را فساد معرفی می‌کند^۳ و این رویکرد را موجب نارضایتی پروردگار می‌داند^۴؛ ذکر شده است که به همین تعداد بسنده می‌شود. یکی دیگر از مصادیق حمایت از مستضعفان، وحدت مسلمین و اعتصام به ریسمان الهی می‌باشد. چنان که قرآن مجید چنین عنوان می‌کند: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)^۵؛ و همگی به ریسمان خدا

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۹۹.

۲. همان، ص ۴۹۰.

۳. (تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)؛ این سرای آخر تو را [تنها] برای کسانی

قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! قصص: ۸۳.

۴. (إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ)؛ او مستکبران را دوست نمی‌دارد. نحل: ۲۳.

۵. آل عمران: ۱۰۳.

[قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت] چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت [بزرگ] خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

ایجاد وحدت امت و تقریب مسلمین در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، هدف والای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، مسئله‌ای که نظام مقدس جمهوری اسلامی، آن را به عنوان یکی از راهبردهای زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر علیه السلام دنبال می‌کند؛ چرا که با تحقق آن، حقیقت عودت، محقق خواهد شد؛ چنان که در آیات ذیل به آن‌ها اشاره شده است: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)^۱؛ و در آیه‌ای دیگر (وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ)^۲. در جایی دیگر در وحدت مؤمنان فرموده است: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)^۳؛ مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

ج) آیات غلبه دین و سیاست خارجی

غلبه دین حق از حقایق قطعی‌یی است که از آموزه مهدویت استخراج شده و این غلبه قطعی به کنش‌های متعددی در جهت امید و ایجاد روحیه مقاومت در میان معتقدان به این اندیشه منجر شده است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)^۴؛ و در آیه‌ای دیگر (وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً)^۵. لذا به حکم آیات قرآن و منش مهدویت نمی‌باید در برابر قدرت‌های سلطه‌گر تعهدی ایجاد کرد.

با توجه به آیات غلبه دین که گزاره‌های وحیانی آموزه مهدویت می‌باشد، یکی از مسائلی که بادی در دستور کار دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد، عدم تعهد

^۱. انبیاء: ۹۲: «این پیامبران بزرگ و پیروانشان همه امت واحدی بودند [و پیرو یک هدف]؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید. پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید!»

^۲. مؤمنون: ۵۲.

^۳. حجرات: ۱۰.

^۴. توبه: ۹ و ۳۳: «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

^۵. فتح: ۲۸: «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد.»

در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، اعم از یهود و نصارا و کفار و ظالمان می‌باشد؛ چرا که امید به آینده در سیاست خارجی براساس آموزه مهدویت، غلبه قطعی دین حق است. از طرفی تلاش و کوشش برای رسیدن به آینده مطلوب، یعنی تلاش و کوشش سیاست خارجی در عرصه بین‌المللی در جهت تحقق این وعده که از ارکان انتظار فرج است.

قرآن در خصوص عدم دوستی مؤمنان با یهود و نصارا عدم تبعیت از آنان در روابط بین‌المللی این چنین آورده است: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصارا را ولی [و دوست و تکیه‌گاه خود] انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند. خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)^۲؛ هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، مگر زمانی که [به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی، و] از آیین [تحریف یافته] آنان پیروی کنی. بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است! و اگر از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

نیز در زمینه عدم تکیه بر ظالمان و کافران و عدم ازطاعت از آنان در روابط داخلی و خارجی این چنین عنوان شده است: (وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ)^۳؛ و بر ظالمان تکیه نکنید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ)^۴؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد.

^۱. مائده: ۵۱.

^۲. بقره: ۱۲۰.

^۳. هود: ۱۱۳.

^۴. آل عمران: ۱۴۹.

در نهایت به عنوان یک قاعده کلی به مؤمنان در عرصه‌های گوناگون که در واقع قاعده‌ای قطعی در سیاست خارجی در ارتباط با بیگانگان است، چینی می‌فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)^۱؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلط نداده است.

با اجرای سیاست‌های وحیانی، با توجه به گزاره‌های مهدوی در عرصه بین‌المللی توسط دستگاه خارجی جمهوری اسلامی در صورت غلبه سلطه‌طلبان و استعمارگران؛ می‌باید در جهت حفظ تمامیت ارضی اسلام، دستوراتی که در قالب احکام جهاد بیان شده است، عمل کرد؛ چنان که فرموده است: (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)^۲؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست. (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ)^۳؛ همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز این که می‌گفتند: پروردگار ما، خدای یکتاست! و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که او را یاری کنند [و از آیینش دفاع نمایند] یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

رسیدن به این موفقیت‌ها در گرو عمل به دستورات جهاد و پیروی از مفسران حقیقی آن و علما می‌باشد.

دوم: در اندیشه امام و رهبری

حرکت اصلاحی امام خمینی از سال ۱۳۴۲ آغاز شد که البته این حرکت با سختی‌های فراوان روبه‌رو بود. پس از مجاهدت‌های ایشان و بسیاری دیگر از علما و شاگردان، انقلاب در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. اطلاع امام خمینی از تحولات و حوادث طول تاریخ، از جمله تجربه صفویان، قاجاریه و سپس رژیم مستبد پهلوی و آشنایی دقیق ایشان با مبانی ناب اسلامی، ایشان را به انقلابی بصیر و آگاه مبدل ساخته بود، تا جایی که تمامی حرکت‌های انقلاب را با

۱. نساء: ۱۴۱.

۲. حج: ۳۹.

۳. همان، ۴۰.

مبانی و آرمان‌های اسلام رصد و پیگیری می‌کرد. در ادامه به برخی از اصول و آرمان‌های امام راحل که بسیاری از آن‌ها در آموزه مهدویت ریشه دارد، پرداخته خواهد شد.

الف) اصل شناخت توحید در عصر غیبت

امام خمینی در مصاحبه با خبرنگار تایمز لندن فرمودند:

اعتقاد من و همه مسلمین، همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و با پیامبر اسلام و پیشوایان به حق بعد از آن بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهمترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ما است، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوامل موجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز است. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد، مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد.^۱

مبنا و اساس آموزه مهدویت، اعتقاد به توحید، حرکت به سوی توحید و رسیدن به توحید است. اصل توحید و یگانگی خداوند متعال در بسیاری از آموزه‌های اسلامی اشاره شده است. به عنوان نمونه خداوند در سوره صافات، آیه چهارم می‌فرماید: (إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ)^۲؛ معبود شما یگانه است. نیز بر اساس روایاتی، لازمه شناخت حقیقی پروردگار شناخت پیامبر و حجت خدا است. امام صادق علیه السلام در تبیین یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت می‌فرماید:

قَالَ يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^۳

اندیشه امام خمینی، در آموزه مهدویت، یعنی توحید باوری ریشه دارد. انقلاب اسلامی در ایران بر محور آرمان‌های امام خمینی تأسیس و در حال رشد می‌باشد. با پیش‌فرض گرفتن تحقق این

۱. خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

۲. صافات: ۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۷.

آرمان‌ها در ابعاد داخلی، وظیفه محقق کردن آن‌ها در عرصه بین‌المللی بر عهده دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دستگاه دیپلماسی هر کشور به عنوان سفیر و آئینه تمام‌نمای آن کشور در عرصه بین‌المللی است، لذا دیپلمات‌های جمهوری اسلامی می‌باید از حیث اعتقاد و عمل و اقدام در جهت اثرگذاری و رساندن جمهوری اسلامی به اهداف ناب خود به اصل توحید تمسک همه جانبه داشته باشند؛ چرا که این اصل بنیادین، اساس ادیان الهی و اسلام و به صورت خاص، آموزه مهدویت می‌باشد.

ب) اصل ولایت فقیه در عصر غیبت

در طول تاریخ عصر غیبت، علمای فراوانی در عرصه روشنگری به عنوان "روایت حدیث" اعمال وظیفه کرده‌اند که مصداق بارز آن امام خمینی است. ایشان با قیام اصلاحی خود، علاوه بر وظایف نیابت عامه، در جهت زمینه‌سازی حکومت جهانی امام زمان علیه السلام برآمدند و ولایت فقیه را همسو با ولایت رسول صلی الله علیه و آله دانسته؛ چنان که بیان می‌دارد:

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول صلی الله علیه و آله هست و این‌ها از ولایت رسول صلی الله علیه و آله هم می‌ترسند! شما بدانید که اگر امام زمان علیه السلام حالا بیاید، باز این قلم‌ها مخالفان با او و آن‌ها هم بدانند که قلم‌های آن‌ها نمی‌تواند مسیر ملت ما را منحرف کند. آن‌ها باید بفهمند این که ملت ما بیدار شده است، و مسائلی که شما طرح می‌کنید، ملت می‌فهمد؛ متوجه می‌شود؛ دست و پا نزنید! خودتان را به ملت ملحق کنید. بیایید در آغوش ملت.^۱

"ولایت" آئینه تمام‌نمای توحید در زمین براساس مبانی اسلام و شیعه است. ولایت و سرپرستی حقیقی مال خداوند متعال می‌باشد. خداوند این ولایت را پس از خود به رسول خود و سپس به مؤمنانی تفویض کرده است که ویژگی‌شان این بود که اقامه نماز داشته و در چنین حالتی زکات پرداخت کردند، در حالی که در رکوع بودند؛ چنان‌که قرآن در سوره مائده بدان اشاره کرده است: **(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ**

^۱ خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

هُم رَاكِعُونَ^۱). صراحت آیه مسئله ولایت را تبیین کرده و اطلاق آن نشان می‌دهد که مسئله ولایت از زمان تفکیک‌ناپذیر می‌باشد.

پس از رسول ﷺ ولایت به امیرالمؤمنین علیه السلام و پس از ایشان حسین علیه السلام و نه فرزند از فرزندان امام حسین علیه السلام که نهمین ایشان امام زمان علیه السلام می‌باشند، این مسئله در روایات اثنا عشر خلیفه به صراحت اشاره شده است.^۲

با غیبت آخرین ولی خدا، دسترسی مستقیم به ایشان ناممکن شد؛ لذا با توجه به راهبرد ائمه معصوم علیهم السلام در عصر حضور، در زمینه‌سازی عصر غیبت، آموزش تبعیت از ولی زمان از طرق مختلف (مستقیم و با واسطه) آغاز شده بود. لذا در عصر حضور، برخی مراجعات به بعضی از علمای زمان و شاگردان ائمه ارجاع داده می‌شد. این مسئله زیر نظر ائمه معصوم علیهم السلام ادامه داشت که از عصر غیبت صغری امام زمان علیه السلام آغاز شد و مسئله مراجعه مع الواسطه تحقق پیدا کرد. با توجه به این که عصر غیبت در حال گذار بود و جامعه شیعی به عصر غیبت کبرا نزدیک می‌شد، مواجهه مردم با مسائل توسط فعل و قول امام عصر علیه السلام برای همگان ترسیم و تبیین گردید. لذا امام در توقیع اسحاق بن یعقوب کلینی مراجعات مردم را به سمت روات حدیث، یعنی همان نایبان عام هدایت کردند و فرمودند: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۳

به حکم تبعیت همه جانبه از ولایت فقیه در عصر غیبت، تبعیت همه جانبه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از منویات ولی فقیه الزامی است که این رویکرد به نزدیک شدن بیش‌تر جامعه اسلامی و مهدوی به اهداف خود منجر خواهد گردید. همچنان که بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخست وزیر کشور ژاپن در خرداد ۹۸ را می‌توان فصل الخطاب دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران دانست.

ج) اصل مقاومت و انقلابی بودن

مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای تیم دیپلماسی کشور این‌گونه به تبیین سیاست خارجی پرداختند:

^۱ مائده: ۵۵: «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در

حال رکوع، زکات می‌دهند.»

^۲ نعمانی، الغیبه، ص ۵۷-۷۵.

^۳ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

سیاست خارجی کشور، همان سیاست خارجی نظام در قانون اساسی [است]. این سیاست خارجی متخذ از اسلام و منبعث از اهداف و آرمان‌های انقلاب است و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و کارداران در حقیقت نمایندگان، سربازان و خدمتگزاران این اصول و آرمان‌ها هستند... سیاست خارجی کشور، مانند همه کشورهای جهان بر منافع بلندمدت و اصول و ارزش‌ها استوار است و با رفت و آمد دولت‌ها با سلايق سیاسی گوناگون، تغییر نمی‌کند. دولت‌ها فقط در تاکتیک‌ها و ابتکارات اجرایی راهبردهای سیاست خارجی تأثیرگذار و دخیلند... همه تاکتیک‌های دیپلماسی در دولت‌های مختلف باید در خدمت پیشبرد اصول سیاست خارجی در قانون اساسی باشد و نمایندگان سیاسی ایران در خارج، خود را نماینده و مدافع جدی و منطقی سیاست‌های نظام بدانند.

اصل مقاومت و نفی سبیل کافران بر مسلمین، هر گونه تسلط و نفوذ کافران را بر مسلمین منتفی و ممنوع می‌داند؛ یعنی هر گونه ارتباط و قراردادی که باعث تسلط غیر مسلمان بر مسلمانان شود، حرام و مورد ذم می‌باشد و مشی و رفتار مسلمین را مقاومت در برابر بیگانگان معرفی می‌کند؛ چنان که خداوند در سوره نساء آیه ۱۴۱ تأکید کرده است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

مسئله‌ای که جنبه سلبی سیاست‌های جمهوری اسلامی را در عرصه بین‌المللی در بر می‌گیرد. یکی از مسائلی که در تبیین علل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه عنوان شده، این است که آن حضرت بیعت و پیمان کسی را بر عهده نداشته باشند؛ چرا که بیعت و پیمان تعهد آورده و در پیمودن مسیر کندی ایجاد می‌کند: ... وَ أَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَاحِدٍ مِنْ آبَائِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيَّايَا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَّةٍ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي...^۲ و اما علت وقوع غیبت آن است که خدای تعالی می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ)^۳؛ بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود؛ اما من وقتی خروج کنم بیعت

۱. نساء: ۱۴۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. مائده: ۱-۲.

هیچ سرکشی بر گردنم نیست.^۱ با توجه به این مسئله یکی از وظایف جامعه اسلامی؛ به ویژه سیاست خارجی الگو قرار دادن روایاتی است که در آموزه مهدویت بدان تمسک و تأکید شده است. لذا در عرصه بین‌المللی می‌بایست پیمان‌ها و قراردادهایی که به کندی حرکت جمهوری اسلامی ایران منجر می‌گردد، جلوگیری کنند.

اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی

برآیند اصول و مبانی ارزشی امام خمینی و مقام معظم رهبری، انشا و پیگیری اصلی بود که در توحید و ولایت الله و عدم تبعیت و تأثیرپذیری از دو بلوک قدرتمند شرق و غرب در دنیای معاصر ریشه داشت؛ اصلی که در آموزه مهدویت، به عنوان کلان راهبرد رهبران جمهوری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی (با تعبیر نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی) در حال پیگیری و عملیاتی شدن تا رسیدن به نقطه مطلوب می‌باشد.

این اصل نه تنها دیدگاه تعدل قوا را برای حفظ صلح جهانی مطرود و مردود می‌داند بلکه آن را ظالمانه و تنها برای حفظ منافع قدرت‌های بزرگ و استعمارگر عنوان می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، اصل دو قطبی شدن جهان و حفظ تعادل بین دو ابرقدرت را کلاً مردود دانسته و به دو ابرقدرت، به عنوان مجموعه واحدی از مستکبران جهانی که حقوق ملل محروم و مستضعف، حتی ملت‌های خودشان را پایمال می‌کنند؛ نظاره می‌کند. انقلاب اسلامی نه تنها وابستگی به هیچ‌یک از ابر قدرت‌ها را منطقی و اصولی نمی‌داند و سیاست عدم تعهد را در این محدوده پیروی می‌کند، بلکه برای از بین بردن نظام موجود حاکم بر روابط بین‌الملل تلاش و مبارزه می‌کند. لذا این اصل بر خلاف تز عدم تعهد، حالت تدافعی و انفعالی نداشته است، بلکه با اتخاذ سیاستی تهاجمی فعال و پویا، علیه امپریالیسم و مستکبران جهانی از هر نوع مبارزه می‌کند و همچنین به حکومت واحد جهانی تحت لوای اسلام اعتقاد دارد و تز تعادل قوا را در حفظ صلح و برقراری عدالت جهانی غلط و مردود می‌شناسد.^۲

انقلاب اسلامی یکی از وظایف ذاتی خود را حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه جهان می‌داند و در این جهت تلاش‌های فراوانی کرده و می‌کند. امام خمینی علیه السلام در پیام خود به جنبش‌های آزادی بخش جهان می‌فرماید:

بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن نشأت می‌گیرد و تا استقلال

^۱ صدوق، کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۲۴۰.

^۲ محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴.

فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی خود، مفاخر و آثار ملی و فرهنگی خود را در یابید.^۱

مقام معظم رهبری، همچون امام خمینی با پیگیری و ادامه دادن اهداف والای ایشان به مسئله مذکور نیز اشاره کردند، مبنی بر این که دیگر اصول سیاست خارجی در قانون اساسی از جمله تعهدات برادرانه به همه مسلمانان جهان، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب در همه زمینه‌ها، حفظ استقلال همه‌جانبه، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد به قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحراب، خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌ها و حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران در هر نقطه از جهان است که همه این‌ها گزاره‌های اصلی آموزه مهدویت می‌باشند. از دید ایشان: این اصول جذاب، نو و والا، ذهن ملت‌ها، به‌خصوص نخبگان را به خود جلب کرده است....

سیاست خارجی جمهوری اسلامی با این راهبردها و مختصات، سیاست خارجی انقلابی است و اگر در اجرا با راهکارهای هوشمندانه همراه شود، آثار شگفت‌انگیزی به همراه می‌آورد و ظرفیت حل بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام را داراست.^۲

ایشان سپس به راهبرد شگرف اشاره کرده. می‌فرمایند: ما باید معادلات جهانی را محاسبه کنیم. بنده با کسانی که معتقدند معادلات حاکم بر جهان را به کلی باید کنار گذاشت، موافق نیستیم؛ با کسانی هم که معتقدند باید یکسره در چهارچوب این معادلات کار کرد، موافق نیستیم. این معادلات تجزیه‌ناپذیر نیستند؛ می‌شود عناصر جدیدی را به آن‌ها وارد کرد و عناصری را هم نادیده گرفت و حذف کرد. این البته مخالفت‌هایی را برمی‌انگیزد. ما یک موجود زنده هستیم، تلاش می‌کنیم، کار می‌کنیم و از ابزارهای خودمان استفاده می‌کنیم و اثبات می‌کنیم که این راه درست است و همان را دنبال می‌کنیم. برای این کار از همه ظرفیت‌ها باید استفاده کرد. این، در زمینه مبنای اصولی سیاست خارجی ما، که آن را شما برادران و خواهران عزیز و مسؤولان و کارگزاران سیاست خارجی در نظر داشته باشید.^۳

^۱ همان، ص ۳۸.

^۲ در دیدار وزیر امور خارجه و سفیران و مسؤولان نمایندگی‌های ایران در خارج کشور، ۱۳۹۴/۰۸/۱۰.

<http://farsi.khmenai.ir.news-content/?id=31270>

^۳ همان.

سوم: در قانون اساسی

اصول و اهداف سیاست خارجی هر کشور، معمولاً مستفاد از قانون اساسی آن کشور است. از طرفی قانون اساسی هر کشور برگرفته از مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های آن کشور می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران قوانین سیاست خارجی بر مبنای اندیشه‌های فعال اسلام ناب، یعنی مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده‌سازی شده است. در ادامه به قوانین سیاست خارجی مستفاد از قانون اساسی که آن نیز از آموزه مهدویت متأثر است، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت

اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به اصول و اهداف سیاست خارجی پرداخته که آن‌ها از حیث مبانی، در دین و از حیث عملکرد، در آموزه مهدویت و زمینه‌سازی آرمان جمهوری اسلامی ایران، یعنی تحقق حکومت الهی مهدوی ریشه دارد.

در اصل ۱۵۲ قانون مذکور آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» سپس در تفسیر برخی موارد این اصل، اصل ۱۵۳ این قانون بیان می‌دارد: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.»

آرمان‌های والای انقلاب اسلامی که در وحی ریشه دارد، به حیطة جغرافیایی ایران محدود نمی‌باشد، بلکه آن آرمان‌ها برای همه انبای بشر است؛ چنان‌که در اصل ۱۵۴ به صراحت بیان می‌کند:

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت-های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

پس از این اهداف ارزشمند، به پناهجویان حق طلب، حق ادامه مسیر و کمک می‌دهد و این مسئله را وظیفه ذاتی خود می‌داند: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد، مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.»

در مورد سوم بند ششم اصل دوم این چنین ذکر شده که نظام جمهوری اسلامی به نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، بپردازد، همچنین در بندهای مختلف

اصل سوم قانون مانند بندهای پنجم و ششم و یازدهم و شانزدهم ذکر شده است که دولت جمهوری اسلامی موظف است در زمینه کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی تلاش ورزد؛ و به تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور پرداخته و با تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان تعهد برادرانه داشته باشد.

با توجه به تبیین اصول و اهداف سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اندیشه‌های فعال اسلام، یعنی آموزه مهدویت ریشه دارد؛ موارد ذیل را می‌توان از این اصول و بندها استخراج کرد:

۱. نفی سلطه‌جویی؛
۲. نفی سلطه‌پذیری؛
۳. حفظ استقلال همه‌جانبه؛
۴. تمامیت ارضی؛
۵. دفاع از حقوق مسلمانان و حمایت از آن‌ها؛
۶. عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛
۷. روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب؛
۸. سعادت جامعه بشری؛
۹. حکومت حق و عدل، حق مردم جهان؛
۱۰. حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران در کل جهان؛
۱۱. پناه دادن به پناهندگان غیر تبهکار.

نتیجه‌گیری

"آموزه مهدویت"، جزء لاینفک مبانی اسلام و جمهوری اسلامی ایران است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید در حوزه‌های نظری و عملی اسلام و قانون اساسی، نگاه سیستمی داشته باشد؛ چرا که در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی اقدامات دیپلماتیک گویای مبانی فکری و ارزشی جمهوری اسلامی است. تمایز جمهوری اسلامی از دیگر کشورهای اسلامی، در نگاه جمهوری اسلامی به جامعه آرمانی و موعود می‌باشد. بنابراین، باید دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در اصول و اهداف به آموزه مهدویت توجه عمیق داشته و عملکرد خود را در جهت اهداف جامعه آرمانی اسلام که تحقق حکومت عدل می‌باشد؛ قرار دهد.

منابع

✽ قرآن کریم

۱۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ناشر: نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

۱۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مترجم: پهلوان، منصور، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.

۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.

۱۶. دیدار وزیر امور خارجه و سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج کشور، <http://farsi.khmenei.ir.news-content?id=۱۳۹۴/۰۸/۱۰>، ۳۱۲۷۰.

۱۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران ۱۳۷۸ ش.

۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۲۱. صدرا، علیرضا، گفتمان مهدویت، ناشر: پژوهشگاه دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم ۱۳۹۵ ش.

۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، توکلی، محمد مهدی، مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، تابستان ۱۳۹۱ ش.

۲۳. عرفان، امیر محسن، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ناشر: دفتر نشر معارف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ اول، قم ۱۳۹۳ ش.

۲۴. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر: دادگستر، تهران ۱۳۸۹ ش.

بررسی سیر مهدی‌پژوهی در غرب بعد از انقلاب اسلامی ایران

زهیر دهقانی آرانی^۱؛ محمد کزازی^۲

چکیده

آشنایی هرچه بیشتر با تلاش‌ها و اهداف محققان غربی فعال در حوزه مهدویت، از عمده ضرورت‌های عصر حاضر در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. یکی از لوازم تحقق این هدف، بررسی تحولات شیعه‌پژوهی به‌طور خاص تحقیقات مربوط به حوزه مهدویت در ادوار چهارگانه شیعه‌شناسی، با تمرکز بر تحول این مطالعات، در عطف تاریخی ۱۹۷۹ میلادی است. در این پژوهش، با جست و جوی گسترده در آثار مستشرقان به منظور یافتن مطالعات مهدوی، تحلیل آرا و تطبیق دیدگاه‌ها با وقایع، در ارتقا کیفیت اطلاعات به دست آمده، تلاش شده است. محصول این تحقیق، آشنایی با بخش‌هایی از حجم گسترده پژوهش‌های مهدوی مستشرقان غربی و بررسی برخی از مهم‌ترین آرای این افراد می‌باشد. با توجه به تقویت مطالعات مهدوی در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران، به‌خصوص پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و با عنایت به جایگاه ویژه و پرچم‌داری برخی گروه‌های ضد اسلامی، همچون صهیونیسم در این مطالعات، ورود گسترده و سازمان‌یافته نهادهای حوزوی و دانشگاهی به حوزه مهدی‌پژوهان غربی ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: مهدویت، مستشرقان، مهدی‌پژوهان غربی، انقلاب اسلامی.

^۱ پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا، ایمیل: Zdarani@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل: Mohamadamin@yahoo.com

مقدمه

عدم گنجایش انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران در قالب الگویی انقلاب‌های پیشین آن و محدود نبودن شاخصه‌های آن در مؤلفه‌های متداولی که تا آن زمان در دانش علوم سیاسی برای انقلاب‌ها بیان شده بود، پژوهشگران بسیاری را به مطالعه در مورد این پدیده واداشت. اگرچه محققان غربی از قرن‌ها قبل بر روی اسلام و مکتب تشیع همواره دارای مطالعاتی بوده‌اند؛ از آن‌جا که انقلاب اسلامی ایران در میان سایر انقلاب‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود، جلب توجه بیش از پیش پژوهشگران غربی، به مردم ایران، دین اسلام و مکتب تشیع را باعث گردید.

تحقیقات صورت گرفته در این باره، همچون مطالعات بر روی سایر پدیده‌ها، شامل ساحت‌ها، موضوعات و انگیزه‌های متعددی بوده است؛ ساحت‌هایی همچون سیاست، اجتماع، فرهنگ، جغرافیا و اقتصاد و موضوعاتی مانند قرآن، حدیث، فلسفه، کلام، ادبیات، عرفان و تاریخ. همچنین انگیزه‌هایی که گاه به شناخت و معرفی به سایرین و گاه شناخت مؤلفه‌های ضعف، جهت وارد آوردن لطمه بدان معطوف بوده است. در این میان، پژوهش‌های مهدوی محققان غربی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از برجستگی‌هایی، هم از لحاظ کمیت و هم کیفیت برخوردار گشته است. به نظر می‌رسد عامل این برجستگی، نقش عمده این آموزه در شکل‌گیری نهضت امام خمینی و سرانجام آن، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت باشد. ژان پیر فیللیو^۱ محقق فرانسوی مدرسه عالی پو در بیان نقش این آموزه در انقلاب ایران می‌گوید: انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، موجب گسستی عمیق در سنت و روش آرامش‌گرایی شیعیان شد؛ چرا که امام خمینی برداشت جدیدی از آموزه مهدویت ارائه کرد و از عناصر منجی- باوری شیعی برای موفقیت خود بهره برد.^۲ الیور لیمن^۳، پژوهشگر آمریکایی دانشگاه‌های کمبریج و کنتاکی نیز انقلاب اسلامی را عامل تغییر نگاه‌ها به شیعه مبنی بر انفعال و سکوت سیاسی آن‌ها تا پیش از انقلاب بیان می‌کند.^۴

همچنین در زمینه آرا و آثار مستشرقان، به‌ویژه فعالان عرصه شیعه‌پژوهی و مهدویت آثار متعددی وجود دارد، همچون «بررسی و نقد دیدگاه‌های جونل ریچاردسون در زمینه مهدویت»،

1. Jean Pierre Filiu.

2. Filiu, Apocalypse in Islam, p.79.

3. Oliver Leaman.

4. Leaman, The Mahdi as a Source of Doctrinal Differentiation in Islam, p.65.

نوشته زهیر دهقانی آرانی و مهدی یوسفیان؛ «نقد و بررسی دیدگاه‌های تیموتی فرنیش در زمینه مهدویت»، نوشته زهیر دهقانی آرانی و سید رضی موسوی گیلانی؛ «جایگاه اصول اعتقادات شیعه دوازده‌امامی در آثار شیعه‌شناسان غربی»، نوشته مریم صانع‌پور و «بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم و اندرو جی نیومن درباره مهدویت و مسائل پیرامونی»، نوشته اصغر فروغی ابری و ندا بدیع‌ان فرد. نزدیک‌ترین اثر به این پژوهش مقاله‌ای است با عنوان «دوره‌های مهدویت پژوهی مستشرقان»، نوشته علی اکبر جعفری و عبدالعلی ترابی ورنوسفادرائی که محور تقسیم ادوار مهدی‌پژوهی را حکومت صفویه قرار داده است. نوع زاویه نگاه، در تعیین نقاط تاریخی عطف مطالعات مهدوی، کم‌توجهی و عدم برجسته‌سازی تأثیر انقلاب اسلامی ایران، بی‌توجهی به وقایع سپتامبر ۲۰۱۱، پرداخت بیش از حد لزوم به آرا و افکار مستشرقان و عدم بهره‌وری از منابع اصلی آثار مستشرقان؛ از جمله خالاهایی است که رفع آن‌ها ارائه اثر کامل‌تر را اقتضا می‌کرده است. ویژگی تحقیق پیش رو، بررسی جنبه‌های مختلفی از ارتباط مطالعات مهدی‌پژوهی در غرب معاصر با انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد سنخ نگاه این مطالعه از حیث بررسی ارتباط میان این دو پدیده، تاکنون به‌طور مستقل، مورد دقت قرار نگرفته است.

ادوار مهدی‌پژوهی

با نگاهی به کارهای صورت گرفته در زمینه مهدویت، می‌توان ادوار مهدی‌پژوهی در غرب را چهار دوره دانست: این دوره‌ها به اجمال عبارتند از سال ۱۸۲۸ (که تاریخ اولین اثر مهدوی در دسترس می‌باشد) تا ۱۹۴۵ (مصادف با پایان جنگ جهانی اول)؛ دوره دوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۹ (مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران)؛ دوره سوم از ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۱ (مقارن با حملات یازدهم سپتامبر در آمریکا) و آخرین دوره، از ۲۰۰۱ تا کنون. در این نگاره نگاهی آماری به کارهای صورت گرفته در دوره چهارم ارائه و برجسته‌ترین آثار آن معرفی خواهد شد. همچنین برخی از مهم‌ترین آرای دوره چهارم مهدی‌پژوهی در غرب، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی اجمالی زمینه‌ها و آمار کارهای صورت گرفته

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در دو قرن اخیر، مطالعات شیعه‌شناسانه، همواره در میان محققان غربی وجود داشته است؛ اما در دو مقطع تاریخی، توجهات به این سوژه مطالعاتی، بیش از دو برابر افزایش یافته است. اولین نقطه عطف این سیر، سال ۱۹۷۹ میلادی، مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دومین اتفاقی که موجب جلب بیش‌تر توجهات جامعه علمی غرب به مهدویت شد؛ حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بوده است. خط پررنگ و برجسته استکبارستیزی

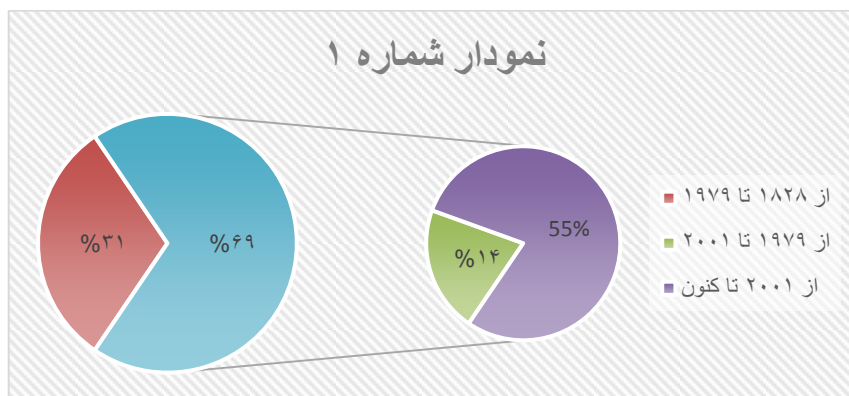
معارف اسلامی، که نمونه بارز آن انقلاب اسلامی ایران بود، طی دو دهه مطالعات اسلام‌شناسانه و شیعه‌پژوهانه دانشمندان غربی، از چشم سران این کشورها دور نمانده و با توجه به ظرفیت گسترده این مکتب، در صدد ریشه‌کنی آن برآمده‌اند و از جمله این‌ها پروژه‌ای با نام «اسلام‌هراسی» است که در رأس آن گروه اسلامی «القاعده الجهاد»، معروف به «القاعده» قرار داشت. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این گروه، منجی‌گرایی فعال، به معنای اعتقاد به زمینه‌سازی ظهور منجی آخرالزمان، از طریق تأسیس «خلافت» بود^۱. همین امر، توجه دو چندان بسیاری از محافل علمی و سیاسی را به مسئله مهدویت موجب شد.

در میان پژوهشگران غربی صاحب اثر در حوزه مهدویت، مجموعاً با ۱۹۳ نفر از محققانی رو به رو هستیم که در زمینه مهدویت، صاحب دیدگاه می‌باشند. در این میان، اولین اثر در دسترس، به جوزف توسان رینو^۲ مربوط می‌باشد که در سال ۱۸۲۸ نگاشته شده است. غیر از این ۱۹۳ نفر، ۵۲ نفر دیگر نیز دارای آثاری، اعم از کتاب، مقاله و سخنرانی در موضوع مهدویت می‌باشند. البته این افراد، مانند گروه قبل، در این حوزه صاحب‌نظر نبوده و تنها، تک‌نگاری‌هایی را در این موضوع دارا هستند.

از نظرگاه کمی، ۱۳۱ نفر از مجموع ۱۹۳ صاحب‌نظر غربی حوزه مهدویت، یعنی ۶۹٪ آن‌ها افرادی هستند که اثر یا آثاری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی دوره‌های سوم و چهارم داشته‌اند. از این ۱۳۱ نفر نیز، ۱۰۴ نفر کتاب‌ها و مقالاتی در سال‌های بعد از ۲۰۰۱ داشته‌اند که عدد ۷۹٪ را نشان می‌دهد. این عدد حاکی از رشد ۳/۷ برابری تعداد افرادی است که در دوره چهارم نسبت به افراد دوره سوم، آثاری منتشر کرده‌اند. در مقایسه تعداد افراد دارای اثر، طی ۱۸ سال اخیر، به انضمام تعداد مستشرقانی که از سال ۱۸۲۸ پا به این عرصه گذاشته‌اند، معلوم خواهد شد که بیش از نیمی (یعنی ۵۵٪) از این مستشرقان در بازه زمانی ۱۸ سال اخیر قرار گرفته‌اند.

^۱ مک‌کانت، رستاخیز داعش، ص ۳۴.

^۲ Joseph Toussaint Reinaud.



برخی از محققان شاخص عرصه مهدویت شیعی

۱. دیوید کوک^۱

دیوید برایان کوک، متولد آمریکا و فارغ التحصیل رشته مطالعات اسلامی در مقطع دکتری از دانشگاه شیکاگو^۲ است. وی رساله دکتری خود را در سال ۲۰۰۱ با عنوان «شروع اسلام در سوریه در دوره اموی»، نگاشته است. با توجه به تخصص علمی کوک، تحصیل کوک در مقطع کارشناسی دانشگاه عبری اورشلیم، با توجه به گرایش علمی او، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. او هم‌اکنون در دانشگاه رایس آمریکا با رتبه دانشجویی، به فعالیت‌های پژوهشی مربوط به دو حوزه اسلام افراطی رمزآلود (کاوشی در تحول مذهبی جادویی و عرفانی صورت گرفته در جنبش‌های تکفیری اسلامی تندرو) و گفتمان آخرالزمانی رمزآلود شیعه مشغول می‌باشد.

برخی از مهم‌ترین نگاه‌های دیوید کوک عبارتند از:

۱. مطالعاتی در مورد نگاه آخرالزمانی مسلمانان: این کتاب که در سال ۲۰۰۳ منتشر شده، حاوی یک مقدمه، ۸ فصل و چند ضمیمه در مورد تبیین نگاه آخرالزمانی مسلمانان می‌باشد. وی در این کتاب، به جنبه‌های مختلف آخرالزمان اسلامی، ذکر برخی روایات آخرالزمانی و اصحاب امام مهدی و مکان‌های آن‌ها می‌پردازد؛
۲. گفتمان آخرالزمانی معاصر مسلمانان: شیوه پردازش کوک در این کتاب، اتکا بر مجموعه‌ای از موضوعات مطرح در میان نویسندگان معاصر مسلمان در زمینه مسائل آخرالزمانی است. این کتاب در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است؛

¹. David Brayan Cook.

². University of Chicago.

۳. شناخت جهاد؛
۴. شهادت در اسلام؛
۵. درک و نشان‌یابی حملات انتحاری؛
۶. کتاب الفتن: سنت آخرالزمانی مسلمانان سوری؛ ترجمه مقابله‌ای کتاب نعیم بن حماد مروزی.

وی همچنین مقالات متعددی در زمینه مهدویت نگاشته است. عناوینی همچون نگاه‌های آخرالزمانی به سال ۲۰۰ هجری و وقایع پیرامونی آن؛ عراق، مرکز سناریوهای آخرالزمانی؛ جنبش‌های آخرالزمانی شیعی و سنی در دوره آغازین اسلام؛ منابع هزاره‌گرایی اسلامی؛ ترس مسلمانان از سال ۲۰۰۰؛ انتظار برای امام دوازدهم؛ گفتمان آخرالزمانی معاصر شیعی و گمانه‌زنی‌ها در لبنان و ایران؛ زمینه‌های ضد یهودی در گفتمان جهادی و آخرالزمانی مسلمانان؛ منجی‌گرایی در هلال شیعی؛ اسلام و آخرالزمان؛ آغاز اسلام با رنگ و بوی جنبشی آخرالزمانی؛ آخرالزمان اخلاقی (معنوی) در اسلام نیز بخشی از مقالات وی در زمینه مهدویت است.

وی همچنین مقالات دایرة‌المعارفی تدوین و نیز سخنرانی‌هایی مرتبط با اسلام شیعی ایراد کرده است. ارزیابی کلی از وی، تصویر شخصیتی پرتلاش طی دو دهه حیات علمی را نشان می‌دهد. وی برای تحقیقاتش به ایران سفر و از نقاط مذهبی مهمی بازدید کرده است؛ از جمله در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱ به مشهد سفر کرد و از حرم مطهر رضوی و مرکز جامعه المصطفی العالمیه این شهر و همچنین در قم از مراکز علمی و حوزوی و نیز جمکران بازدید کرده است. به دلیل محدودیت این مقاله، در ادامه به بررسی برخی از آرای گسترده کوک در موضوع نگاه آخرالزمانی اسلام و منجی‌گرایی اسلامی پرداخته خواهد شد:

آخرالزمان اسلامی

از دیدگاه کوک، مسائل آخرالزمانی و منجی، از مهم‌ترین مسائل اسلامی و نیز پرطرفدارترین موضوعات در میان مسلمانان است. او مدعی است این گرایش، در چهار عنصر اصلی تحولات بومی، رویدادهای تاریخی، تفسیر قرآن و منابع خارجی ریشه دارد. از دیگر زمینه‌های مهم شکل‌گیری این باورها، از نظر این محقق، رشد اسلام در سوریه (و تاحدودی عراق) است که به نوعی این دو منطقه مرکز تلاقی ادیان مختلف یهودی، مسیحی و حتی زرتشتی بوده و تفکرات آخرالزمانی مردمان حاکم در آن عصر و نیز اعتقادات و تعصبات گذشته، بر این موضوع تأثیر شگرفی داشته است. البته به اعتراف کوک، این، به معنای گرت‌برداری کامل و عدم اصالت نگاه آخرالزمانی اسلام نیست؛ چراکه این موارد با ورود به اسلام، گزینش شده و تغییر و تحول یافته-